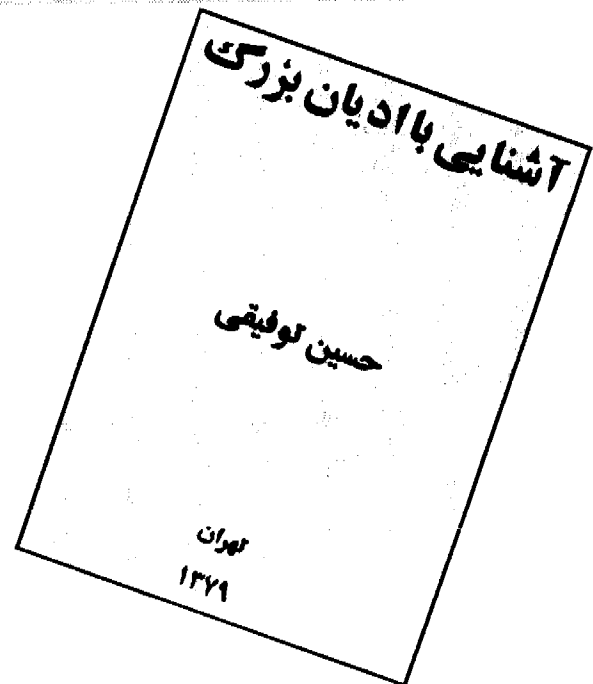


شّمایی از

«آشنایی با ادیان بزرگ»

رضا بابایی



آشنایی با ادیان بزرگ، حسین توفیقی. ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و مؤسسه فرهنگی طه و مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ، بهار ۱۳۷۹، وزیری، ۱۷۶ص.

ویلیام مونتگمری وات، اسلام‌شناس برجسته و استاد مطالعات عربی و اسلامی دانشگاه ادینبورای اسکاتلند، در یکی از آخرین آثار خود که به فارسی نیز ترجمه شده است، می‌نویسد: «به رغم وجود افراد تندرو در ادیان مختلف، دیدگاه شخصی من این است که در نیای امروز، ادیان دیگر هم‌اورد و یا دشمن هم نیستند؛ بلکه باید بیاموزند که به چشم شریکی به هم بنگرند که باید [به کمک هم] مسائل مشترک را حل و فصل کنند. چنین مشارکتی، جز از رهگذر اندیشه گفت و گوی ادیان دست یافتنی نیست. این شیوه انواع مختلف گفت و شنود را در بر می‌گیرد: از مباحثه بین چند دوست صمیمی گرفته تا گفت و گویی که شورای جهانی کلیساها سازمان‌دهی می‌کند...»^۱ «همو می‌افزاید: «جایگاه دین در دنیای جدید و در مواجهه با مسائل پیچیده دهکده جهانی، از مسائل عمده عصر حاضر است که با تمام دوران گذشته تاریخ بشر تفاوت دارد. در این عصر که سکولاریزم فراگیر شده و عقلانیت مسلط غربی بر آن است تا دین را نادیده بگیرد، کوشش برای یافتن مبانی نظری همبستگی ادیان و بازیابی حقایق اصیل و مشترک دینی، تلاش شایسته‌ای است که می‌تواند پاسخگوی نیازهای انسان معاصر باشد.»^۲

کتاب «آشنایی با ادیان بزرگ» و هر اثر دیگری که بر حجم آشنایی پیروان ادیان مختلف با همدیگر بیفزاید، گامی مؤثر در حل «مسائل عمده عصر حاضر است.»

همان‌طور که از وات نیز نقل کردیم، مشارکت در ادیان در حل مسائل مشترک و گشایشگری در معضلات زیستی-اندیشگی، جز از رهگذر اندیشه گفت و گوی ادیان دست یافتنی نیست. اما شرط اول قدم در چنین گفت و گوهایی، آشنایی‌های اجمالی و گاه تفصیلی از آموزه‌ها و تاریخچه هم‌دیگر است. بدون چنین آگاهی و مطالعاتی، مشکل می‌توان به نتایج مطلوب و مفید بار یافت. از این رو باید آثاری مانند «آشنایی با ادیان بزرگ» (کتاب حاضر) را مغتنم شمرد و زمینه را برای طرح گسترده‌تر و عمیق‌تر

۱. حقیقت دینی در عصر ما، ویلیام مونتگمری وات، ترجمه ابوالفضل محمودی، ص ۱۱۵-۱۱۶.
۲. همان، مقدمه.

این دست مباحث گشود.

نویسنده محترم کتاب، جناب آقای حسین توفیقی علی رغب مطالعات بسیار در ادیان و آشنایی با آموزه های دین های بزرگ، کمتر دست به قلم برده و آثاری را به چاپ سپرده اند. چنان که در مقدمه ناشران آمده است، «کتاب آشنایی با ادیان بزرگ» به منظور معرفی ادیان بزرگ و زنده جهان در قالب دو واحد درسی، برای دانشجویان الهیات و همچنین جهت استفاده طلاب علوم دینی، تدوین یافته است. دانش پژوهان در این کتاب، علاوه بر شناخت اهم عقاید، شعائر، اخلاقیات و دیگر موضوعات مطرح در ادیان بزرگ جهان، با تاریخچه مختصر آنها و تأثیر آنها بر فرهنگ بشر آشنا می شوند.

آقای توفیقی در بررسی هر یک از ادیان، به تناسب اهمیت آنها، برجسته ترین و مهم ترین نکات را یادآور شده و از ذکر موارد غیر مهم و غیر ضروری خودداری کرده است. بدین لحاظ حجم کتاب، نسبت به موضوع و اقتضای آن، بسیار کم برگ است.

در همان مقدمه، علت اهتمام بیشتر به دو دین یهود و مسیحیت این گونه توجیه شده است: «اشتراک ما مسلمانان در پیشینه و زمینه های فرهنگی با دو دین یهود و مسیحیت، موجب شده است تا شناخت دقیق تر آن دو دین برای ما اهمیت بیشتری پیدا کند. از طرفی سیطره فرهنگ غرب مسیحی، و ضرورت مواجهه صحیح و از سر آگاهی با آن، اقتضای شناخت بیشتری از مسیحیت را دارد. افزایش ارتباط و بیشتر شدن ضرورت گفت و گوی ادیان، به ویژه ادیان ابراهیمی، بر اهمیت آشنایی با یهودیت و مسیحیت می افزاید.»^۳

باز در همان مقدمه برای نپرداختن به اسلام در این کتاب، آشنایی خوانندگان با اسلام نام برده شده است. اما به نظر می رسد، چون نام کتاب آشنایی با ادیان بزرگ است، جاداشت به یکی از دو صورت زیر، یادی از اسلام نیز می شد:

۱. نویسنده فاضل کتاب می توانست، فشرده ای از تعالیم اسلام را یادآور شود و بدین ترتیب، کتاب خود را به قله کمال نزدیک تر کند.

۲. غیر از آن، مباحث تطبیقی و ذکر برخی آموزه های قرآن و اسلام از منظر سنجش و همگرایی به نظر مفید می آید. بازگویی پاره ای از عناصر مهم دین اسلام که وجهی برای ذکر آنها در چنین کتابی وجود دارد، بر فایده و رازگشایی آن می افزود. بدین ترتیب هم کتاب، خالی از ذکر دینی بزرگ نمی شد و هم نکات و مطالب تکراری به خواننده تحویل نمی گردید.

نویسنده محترم کتاب درباره آشناسازی مردم با ادیان

مختلف، معتقد است «سنت پیامبران الهی، به ویژه پیامبر بزرگوار اسلام و خاندان پاک او پیوسته همین بوده است و منابع اسلامی بر آن گواهی می دهند.» از این رو وضعیت جدید (درک ضرورت آشنایی با ادیان) برای کسانی که از سرچشمه زلال اسلام سیراب می شوند، به هیچ رو تازگی ندارد. اما این که چه حادثه ای موجب شده است که پروان ادیان بزرگ به فکر آگاهی های عمیق تر و بیش تر از ادیان گوناگون بیفتند، موضوع پیش گفتار کتاب است: «یکی از دستاوردهای عصر ارتباطات، آگاهی یافتن مردم از باورهای دینی دیگران است. اکنون که سدهای پولادین جدایی فرو ریخته است، رهبران ادیان و مذاهب، بیش تر و بهتر از گذشته با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و برای تفاهم [بیشتر از گذشته] می کوشند. این شیوه بر رفتار پیروان ادیان تأثیر خواهد گذاشت و آنان نیز با یکدیگر رفتاری مسالمت آمیز خواهند داشت و برای یکدیگر حق حیات قائل خواهند بود.»^۵

مباحث آغازین کتاب، در «کلیات» آمده است. در آن جا از تعریف دین و مذهب و ملت و شریعت، دین از نظر جامعه شناسان، مراحل دین، فایده تاریخ ادیان و دسته بندی ادیان سخن می رود.^۶ وی برای مطالعه در تاریخ ادیان، پنج فایده می شمارد؛ بدین قرار:

۱. ارضای حس کنجکاوی؛

۲. استفاده از تاریخ ادیان در دیگر رشته های علوم انسانی؛

زیرا میان شاخه های علوم انسانی پیوند آشکاری وجود دارد.

۳. بهره بردن از آن در برقراری ارتباط با افراد و جوامع گوناگون؛

۴. تعمیق باورهای دینی در دینداران؛ زیرا آنان با وقوف بر کثرتی ها و ناهنجاری های ادیان رقیب، می توانند درستی و راستی دین موروثی خود را ثابت کنند.

۵. فهم درست اعتقادات دینی ملت ها.^۷

در دسته بندی ادیان نیز جنبه های گوناگون در طبقه بندی ادیان را یادآور می شود و با نظر داشت آن جنبه ها، قاطبه ادیان را می توان در یکی از دسته های زیر گنجانند: ادیان ابتدایی؛ ادیان قدیم؛ ادیان پیشرفته؛ ادیان ساده؛ ادیان فلسفی، ادیان وحیانی؛ ادیان غیر توحیدی؛ ادیان توحیدی؛ ادیان سامی؛

۳. آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۰.

۴. همان، ص ۱۱.

۵. همان.

۶. همان، ص ۱۳-۱۶.

۷. همان.



ادیان آریایی؛ ادیان خاور دور. بدیهی است که بسیاری از این اقسام در یکدیگر تداخل دارند. نویسنده دوازده اثر را در کتابنامه این بخش (کلیات) با ذکر مشخصات کتاب شناختی آنها یادآور می‌شود.

بر اساس آنچه در دسته بندی ادیان در کلیات آمده است، نویسنده مهم ترین ها را در طول کتاب به بحث می‌گذارد و بدین رو درباره هشت دین یا هشت دسته از ادیان اطلاعاتی به دست می‌دهد؛ بدین قرار: ادیان ابتدایی؛ ادیان ملل گذشته، ادیان هند؛ ادیان چین و ژاپن؛ ایران باستان؛ یهودیت؛ مسیحیت؛ ادیان عرب قبل از اسلام.

ادیان ابتدایی که در بخش دوم کتاب، موضوع بحث قرار می‌گیرد، دین هایی است که به شکل کاملاً بسیط و ابتدایی نزد انسان های پیشین شناسایی شده اند. نویسنده نخستین نشانه های موجود از دین را گرایش به پرستش طبیعت می‌داند و این باور را به نظر پژوهشگران مستند می‌کند.^۸ در همان ادیان ابتدایی، با همه پراکندگی و آشفته گی و دوری آنها به لحاظ زمان-از ما، توانسته اند عناصر مشترکی بیابند که جناب توفیقی، آنها را چنین برمی‌شمارد: اعتقاد به خدا و خدایان؛ نیاکان پرستی؛ جادو و قربانی.^۹

توتم (نشانه ای که از قبیله حمایت می‌کند) تابو (محرمانت قبیله) مانا (اشیایی که دارای نیرو و اثرند) آنیمیس (جان پرستی) فنیشیس (جادو) و اساطیر (توجیه گر پدیده ها و اشیا) برخی از ادیان ابتدایی است که نویسنده درباره هر یک توضیحی را به اجمال می‌آورد.^{۱۰} در کتابنامه این بخش، مشخصات کتاب شناختی هفت اثر فارسی و انگلیسی آمده است.

با بررسی ادیان مصر که یکی از کشورهای معروف جهان باستان است، مباحث بخش سوم کتاب، آغاز می‌شود. از میان «ادیان ملل گذشته» که عنوان این قسمت از کتاب است، ادیان مصر، بابل، یونان و روم، مطمح نظر نویسنده بوده است. وی آنگاه که به موضوع ادیان در مصر می‌پردازد، از پیدایش دین و گوناگونی آن در مصر قدیم، اسطوره خدایان سه گانه اوزیریس و ایزیس و هوروس، پرستش آفتاب و پرستش فرعون سخن می‌گوید.^{۱۱}

تحول و دگرگونی دیانت ابتدایی در بابل، خدای سه گانه و خدای آشور را در ادیان بابل برمی‌رسد و در ذیل یونان، از آیین یونانیان باستان، اساطیر، پیدایش فلسفه و عقاید عامه، سخن می‌رود. مشابه همین بررسی ها را درباره ادیان روم شاهدیم. (ص ۳۰)

حدود ۳۵۰۰ سال پیش، قومی که خود را آریا (Arya) یعنی نجیب و شریف می‌خواندند، از آسیای مرکزی به اطراف رود سند (در جنوب پاکستان کنونی) مهاجرت کردند و با پیشروی به

سوی مشرق، سرزمینی را که بعداً هندوستان نامیده شد، در معرض تاخت و تاز خود قرار دادند. در همان روزگار دسته ای دیگر از قوم آریا به سرزمینی مهاجرت کردند که پس از آن ایران نام گرفت. دسته ای دیگر از قوم آریا در اروپای کنونی منتشر شدند.^{۱۲} نویسنده محترم کتاب با این مقدمه، بررسی های اجمالی خود را درباره ادیان هندوستان آغاز می‌کند و پیش از همه هندویسم را برمی‌رسد. به گفته وی، آیین هندو در قدیم، دین برهمنایی خوانده می‌شد که به برهما، خدای هندوان اشاره می‌کرد. (همان) وی می‌افزاید: «هندویسم، شکل تکامل یافته آنیمیس است و به همین دلیل بنیانگذار آن شناخته شده نیست. این آیین گونه ای فرهنگ، آداب و سنن اجتماعی است که با تهذیب نفس و ریاضت همراه شده و در تمدن و حیات فردی و جمعی مردم هندوستان، نقش بزرگی داشته است.»^{۱۳} اصول آیین هندو عبارت است از: اعتقاد به کتاب های باستانی و سنت های دینی برهمنّا و پرستش خدایی که به ظهور آنها در دوره های قدیم عقیده دارند. اعتقاد به تناسخ و رعایت مقررات طبقات اجتماعی در معاشرت و ازدواج، همچنین احترام به موجودات زنده، مخصوصاً گاو از اصول آن دین است. برخی از معروف ترین خدایان هندو عبارتند از: آتش، آسمان، قادر متعال، وحشتناک، دلپذیر و آبی پررنگ.^{۱۴} نزد هندوها، کتاب هایی مقدس اند که به وداها شهرت دارند.

دومین آیین در هندوستان، جین است که اخلاقیات بسیار شگفتی دارند؛ از جمله تحریم پوشیدن لباس. «گاندی رهبر انقلاب هندوستان، تحت تأثیر این آیین، لباس های دوخته ایام جوانی را کنار نهاد و تنها از مقداری پارچه سفید استفاده می‌کرد. ویل دورانت در جلد اول تاریخ تمدن که در زمان حیات گاندی تألیف شده است، در بحث از آیین جین حدس می‌زند که گاندی سرانجام تحت تأثیر این مذهب، از طریق خودکشی به عمر خود پایان دهد. اما وی با گلوله یک هندوی متعصب کشته شد و برای اثبات یا ابطال حدس این مورخ فرزانه فرصتی پیش نیامد.»^{۱۵} بودیسم، سومین مذهب رایج در هندوستان است. نویسنده

۸. همان، ص ۱۸.

۹. همان، ص ۲۰.

۱۰. همان، ص ۲۱-۲۲.

۱۱. همان، ص ۲۶.

۱۲. همان، ص ۳۱.

۱۳. همان، ص ۳۲.

۱۴. همان، ص ۳۳.

۱۵. همان، ص ۴۳.

باستان است. (ص ۷۰) نویسنده در پایان بخش ادیان ایران باستان، ۲۰ مأخذ را در کتابنامه ذکر می کند.

هفتمین گفتار کتاب به «یهودیت» اختصاص دارد. در این گفتار، نویسنده نخست شرحی از عبرانیان می دهد. سپس درباره حضرت ابراهیم (ع)، اسماعیل (ع)، اسحاق (ع) و یعقوب (ع) سخن می گوید. «عبرانیان در آغاز قومی صحرائین بودند و نخستین اقامت آنان در شهرها در زمان حضرت یوسف (ع) بود. صحرائینی در اعتقادات و مراسم دینی آن قوم تأثیر فراوانی داشت. هنگامی که حضرت موسی (ع) آنان را از دست فرعون نجات داد، مجبور شدند مدت چهل سال در صحرای سینا بمانند، ولی پس از آن پیوسته در شهرها به سر می بردند و تمدنی را پایه گذاری کردند که میراث گران بهای قوم یهود شد. مسیحیت نیز زائیده همین تمدن است.»^{۱۶} سرگذشت زندگی موسی (ع) و تأسیس یهودیت مباحث بعدی این بخش است. شرحی درباره الواح (ص ۸۰) و گوساله پرستی (ص ۸۱) زمینه را برای بحث در باب تورات آماده می کند. درباره کتاب مقدس، نخست منابع آن را برمی رسد و پس از آن عهد عتیق را می شناساند. (ص ۸۴) درباره عقاید یهودیان و اعتقاد آنان به خدا می خوانیم: «نام خاص خدا در دین یهود یهوه یعنی باشنده (موجود) است. این نام بسیار احترام دارد و بر زبان آوردن آن حتی از طریق قرائت تورات حرام است. بر اثر این تحریم، کسی تلفظ حقیقی آن را نمی داند و گاهی در کتاب های علمی مغرب زمین، از باب احتیاط آن را بدون حرکت ثبت می کنند.» (ص ۸۸) ماجرای تشکیل حکومت بنی اسرائیل و انبیا آنان، موضوع مباحث بعدی است. سپس نویسنده از تأثیر عقاید مزدیسنی و فرهنگ پارسی بر یهودیان، سخن به میان می آورد و همچنین اعیاد آنان را برمی شمرد. فرقه های مهم و مشهور یهودی را نیز یادآور می شود که عبارتند از: فرکیسان، صدوقیان، سامیران، اسنیان، قانویان، قارئون و دوئمه.

از عقاید رایج و اصیل یهودی، انتظار مسیحا است. «یهودیان در سراسر تاریخ محنت بار خود هر گونه خواری و شکنجه را به این امید بر خود هموار کرده اند که روزی مسیحا بیاید و آنان را از

بحث خود را درباره این آیین قدیمی، از سرگذشت بودا آغاز می کند. تأسیس نظام، فلسفه بودا، اخلاقیات، فرقه های بودایی و کتب بودایی موضوعات این بخش از کتاب است. به گزارش نویسنده، بودا برای رسیدن به مقصود، هشت قانون زندگی را تعلیم می داده است؛ بدین قرار: ایمان درست؛ سخن درست؛ کردار درست؛ کار درست؛ کوشش درست؛ اندیشه درست؛ تمرکز درست حواس. اما اخلاقیات نزد بوداییان، همان دستورهای نه گانه ای است که بودا به پیروان خود، توصیه کرده است: پرهیز از آزار جانداران، پرهیز از دزدی، پرهیز از بی عفتی، پرهیز از دروغ، پرهیز از مستی، پرهیز از بدگویی، پرهیز از خودخواهی، پرهیز از نادانی و پرهیز از دشمنی.

آیین سیک، آخرین دینی است که در بخش «ادیان هندوستان» موضوع سخن کتاب است. پس از آن نوبت به ادیان چین و ژاپن می رسد و نویسنده وارد بحث درباره کنفوسیانیسم، تائوئیسم و شینتو می شود.^{۱۶}

گفتار ششم کتاب درباره ایران باستان است و بحث از آیین مغان، آغاز می شود. «مغان، سکنه بومی ایران بوده اند و پس از ورود آریاییان سرزمین خود را تسلیم آنان کرده اند. واژه المجوس که در زبان عربی به زردشتیان اطلاق می شود، از همین کلمه (مُغ) می آید.»^{۱۷} دیگر آیین ایرانیان باستان، مهرپرستی است. درباره این آیین کهن ایرانی، نویسنده یادآور می شود که «بسیاری از اعتقادات و آیین های مسیحیت از مهرپرستی گرفته شده است.»^{۱۸}

سومین دین مهم ایران باستان، دین زردشت است. برای پروراندن مطلب، مباحث کتاب درباره دین زردشت از سرگذشت زردشت، تعالیم او و کتابش اوستا آغاز می شود و پاره ای از آموزه های او افزوده می گردد.

مانویت، چهارمین دین ایرانی است که نویسنده درباره آن می نویسد: «مانویت در فاصله ظهور مسیحیت و اسلام پدید آمد و در مدت کوتاهی فراگیر شد و پیروانی پرشور و با اخلاص گرد آورد. این آیین، ترکیبی است از اعتقادات صابیان، بوداییان، زردشتیان و مسیحیان. اصول عرفانی و انسانی این آیین به گسترش آن شتاب داد و آن را در شرق تا چین و در غرب تا مرکز اروپا پیش برد. حاکمان ایران و روم و سرزمین های دیگر با مانویان از در خصومت درآمدند و دسته دسته آنها را کشتند و سرانجام، محکمه تفتیش اروپا، آخرین گروه مانویان را در قرن سیزدهم میلادی نابود کرد.»^{۱۹}

مزدك، قیام او و دیدگاهش، آخرین بررسی در ادیان ایران

۱۶. همان، ص ۵۳-۶۰.
۱۷. همان ص ۶۱.
۱۸. همان، ص ۶۲.
۱۹. همان، ص ۶۷.
۲۰. همان، ص ۷۱.
۲۱. همان، ص ۷۶.



دین به دنیا فروشان؛ نمایش قدرت و ... ۲۶

«طبق تعالیم اناجیل، عیسی مصلوب شد، روی صلیب مرد و او را دفن کردند. پس از سه روز خدا او را از مرگ بر خیزاند. وی چندین بار بر شاگردان خود ظاهر شد، سپس به آسمان رفت. در روز عید گلریزان، روح القدس در رسولان حلول کرد و پس از ایشان جماعتی را پدید آورد که در طی قرون و اعصار، رسالت عیسی را به دوش داشتند و چون او عمل می کردند.» (ص ۱۲۳) مراد از رسولان در تعابیر انجیل، همان حواریون در قرآن است که عبارتند از: شمعون (پطرس)، اندریاس (برادر پطرس)، یعقوب، یوحنا، فیلیپس، برتولما، توما، متی، یعقوب پسر حلفی، تدی، شمعون غیور و یهودا. (ص ۱۲۴) به گفته اناجیل، همان طور که عیسی (ع) پیشگویی کرده بود، همه رسولان در مورد او لغزیدند و هنگام دستگیری وی، او را رها کردند و گریختند. در بررسی حالات و مقامات حواریون، نویسنده موقعیت هریک را معلوم می دارد و یادآور می شود که حضرت عیسی پطرس (شمعون) را به جانشینی خود برگزیده بود، اما رسول دیگری به نام پولس عملاً موقعیت بهتری پیدا کرد و معمار مسیحیت کنونی شد. (ص ۱۲۴) اندیشه های پولس میان رسولان تنش آفرید و درگیری های وی با پطرس و سایر رسولان، در کتاب اعمال رسولان و رساله های خود او منعکس شده است.

«پایه گذاری کلیسا» مبحث بعدی این گفتار از کتاب است. «موقفیت وی (عیسی) در آن زمان بسیار ناچیز بود؛ اما به خاطر پایه گذاری کلیسا یعنی جامعه مسیحی که از چند شاگرد تشکیل شده بود، پس از رفتن وی و با گذشت سالیان دراز، اندک اندک دینی که به او منسوب بود، پا گرفت. از نظر تاریخ نگاران نقش پولس که پس از وی مسیحی شد، در ترویج مسیحیت بسیار مهم است. ولی مسیحیان نقش روح القدس را در این کار مهم می دانند.» ۲۷

به گفته نویسنده، جامعه مسیحیت که توصیف آن در کتاب عهد جدید آمده است، کلیسای رسولان نامیده می شود و مقصود از آن، جامعه رسولان و نسل اول مسیحیت است. این جامعه از نظر زمانی به تقریب، فاصله سال های ۳۰ تا ۱۰۰ میلادی، یعنی از عید گلریزان تا تدوین آخرین بخش کتاب

- ۲۲. همان، ص ۱۰۱.
- ۲۳. همان، ص ۱۰۶.
- ۲۴. همان، ص ۱۰۸.
- ۲۵. همان، ص ۱۱۴.
- ۲۶. همان، ص ۱۲۱.
- ۲۷. همان، ص ۱۲۶.

گرداب ذلت و درد و رنج رهاوند و فرمانروای جهان گرداند.» ۲۲ کتاب بزرگ یهودیان که احادیث و احکام یهود را در بر دارد، تلمود نام دارد. این کتاب حاوی دستوره های دینی برای زندگی صحیح و داستان ها و شواهدی از پیشوایان یهود یا بزرگان اقوام مختلف است. (ص ۱۰۵) مقدار زیادی از مطالب تلمود در کتب اسلامی پراکنده شده و برخی مسلمانان شماری از آنها را بی چون و چرا پذیرفته اند. این گونه روایات را در فرهنگ اسلامی، «اسرائیلیات» می خوانند. این کتاب دائرة المعارف پر محتوای یهودیت و منبع فقه یهود بوده است. تلمود به علت مخالفت مسیحیان با آن، در پاره ای از دوران ها با خطر محو مواجه شد؛ ولی بالاخره پس از تلاش بسیار یهودیان اینک نسخه هایی به چاپ سپرده می شود. ۲۳

یهودیت در اروپا، یهودیت در عصر جدید و پیدایش صهیونیسم و تأسیس دولت اسرائیل، از مباحث پایانی بخش یهودیت کتاب حاضر است. درباره صهیونیسم می نویسد: «یهودیت، تبلیغ ندارد؛ زیرا یهودیان دین خود را نعمتی الهی می دانند که مخصوص نژاد بنی اسرائیل است. با این وصف اگر کسی یهودی شود، او را می پذیرند. در تلمود توصیه شده است که هر گاه کسی بخواهد یهودی شود باید ذلت های این قوم را به او تفهیم کرد تا اگر مرد این میدان نیست، پا در آن نگذارد. تحمیل یهودیت به ندرت وجود داشته است. یهودیان معمولاً مردم را به صهیونیسم دعوت می کنند [نه دین یهود].» ۲۴

باب هشتم کتاب، مسیحیت را می کاود و سخن را بررسی از عصر ظهور عیسی - علیه السلام - و پیشگویی ظهوری وی و سرگذشت او آغاز می کند. (ص ۱۱۱) سپس اجمالی از سرگذشت و ماجراهای زندگی حضرت یحیی «پیامبر جوان و پر آوازه بنی اسرائیل» را می گوید و از حضرت عیسی (ع) نقل می کند که: «به تکرار، حضرت یحیی راستوده و در گفتگو با مخالفان خود با استناد به سیرت پسندیده آن پیامبر از نام نیک وی بهره برده است.» (ص ۱۱۳) تا این که سخن به قیام عیسی - علی نبینا و آله و علیه السلام - و عیسی انقلابی می رسد و این که «هنگامی که عیسی به سی سالگی رسید، به بشارت دادن آغاز کرد. تعلیم اساسی وی دو بخش داشت: ۱. توبه کنید؛ یعنی از گناه دست بردارید و به سوی خدا برگردید؛ ۲. ولایت و سرپرستی خدا (ملکوت آسمان) را بر زندگی خود پذیرا شوید.» ۲۵

سرانجام حضرت عیسی (صلیب یا عروج) به اجمال گزارش می شود و پاره ای از مهم ترین حوادث زندگی او نقل می گردد: دعوت به دفاع مسلحانه؛ تحقیر پادشاه؛ خدا و قیصر؛ ستیز با

اصلاح مذهبی؛ فرقه‌های مسیحی؛ کلیسای کاتولیک؛ کلیسای ارتدوکس؛ کلیسای پروتستان و دین مسیح در عصر حاضر.^{۲۹}

به مناسبت بحث از اصلاحات مذهبی در مسیحیت، سخن از «مارتین لوتر» و «شورای واتیکان» به میان می‌آید و درباره وضعیت دین مسیح در عصر حاضر می‌نویسد: «مسیحیت از آغاز تاکنون دینی شدیداً تبلیغی بوده است. مبلغان این آیین به سراسر جهان رفته و کامیابی‌هایی به دست آورده‌اند. آنان در آموختن زبان‌های مختلف و ترجمه کتاب مقدس و تهیه جزوات تبلیغی رنگارنگ بسیار کوشا هستند. دولت‌های غربی نیز از این فعالیت‌های تبلیغی حمایت کرده‌اند.» (ص ۱۷۱)

آخرین گفتار کتاب درباره «عرب قبل از اسلام» است. این بخش از کتاب به اجمال تمام (چهار صفحه) به شش نکته اشاره می‌کند: دیانت اعراب در عصر جاهلیت؛ خدایان اعراب؛ ایمان به الله؛ ارواح آزاردهنده؛ صایبان عقاید و آرای صایبان.^{۳۰}

گزارش کتاب مفید، خواندنی و آسانیب «آشنایی با ادیان بزرگ» را با نقل عباراتی از پشت جلد کتاب «آینده ادیان» نوشته پل تیلیخ درباره اهمیت نگاه تاریخی به ادیان، پایان می‌بخشیم.

«پل تیلیخ، فیلسوف و الهیدان آگزیستانسیالیست و پروتستان مذهب آلمانی تبار که بزرگ‌ترین مفسر مسیحیت در فرهنگ آمریکا است، در چهار سخنرانی‌ای که در کتاب پیش گفته گرد آمده‌اند و آخرین آنها واپسین سخنرانی عمر پرثمر او است، در مقام توضیح و اثبات این مدعا است که آینده بشر از ساحت و منظر دینی، عاری و خالی نیست. «انسان متجدد امروز شدیداً نیازمند نگرشی تاریخی است که در عین این‌کس پذیرای آینده است، آرمان‌های واقع‌نگرانه‌ای داشته باشد. دین نیرویی است که می‌تواند چنین نگرش تاریخی‌ای عرضه کند. از این رو، هرگز از میان نخواهد رفت. نهایت آن‌که این بدیل‌پذیری دین، هم می‌تواند آدمی را به ژرفای دینی راستین هدایت کند و هم ممکن است او را به شبه دین‌هایی سوق دهد که آفریده‌های خود او است و کمابیش دنیا زده‌اند. برای این‌که شق دوم پیش نیاید، لازم است که دستگاه‌هایی که شأنشان تبیین، دفاع و تبلیغ دین است، برای حفظ هویت حقیقی دین، به سنت متوسل شوند و به جای آن‌که در پی افزودن برگستره نفوذ خود باشند، بر ژرفای آن بیفزایند.»^{۳۱}

○

۲۸. همان، ص ۱۳۱

۲۹. همان، ص ۱۵۷-۱۷۱.

۳۰. همان، ص ۱۷۳-۱۷۶.

۳۱. ر. ک. پل تیلیخ، *آینده ادیان*، مترجم: احمد رضا جلیلی، مقدمه.

مقدس را در بر می‌گیرد.

کتاب مقدس مسیحیان، موضوع سخن و بررسی دیگری در این گفتار است. نخست از تقسیم کتاب مقدس به عهد جدید و عهد عتیق یاد می‌کند و وجه این نامگذاری را چنین می‌نویسد: «مسیحیان معتقدند خدا با انسان دو پیمان بسته است: یکی پیمان کهن، به وسیله پیامبران پیش از عیسی مسیح و دیگری پیمان نو است که عیسی آن را برقرار کرد. عهد جدید به زبان یونانی نگارش یافته است. مجموع کتاب‌های عهد عتیق و عهد جدید ۶۶ کتاب است.» (ص ۱۲۸) محتوا و ساختار انجیل از مباحث این قسمت از کتاب است که نویسنده به اجمال بسیار بدان‌ها می‌پردازد. سپس درباره اعتبار کتاب مقدس سخن می‌گوید. وی این بررسی را از سه دیدگاه سامان می‌دهد: دیدگاه کلیسا، دیدگاه دانشمندان بی‌طرف و دیدگاه مسلمانان.

دیدگاه کلیسا: همه مسیحیان، همیشه و همه جا معتقد بوده و هستند که اناجیل کنونی زندگینامه و سخنان حضرت عیسی (ع) است که متی، لوقا، مرقس و یوحنا آنها را نوشته‌اند. (ص ۱۳۲) و تمام القاب و احترامات شایسته یک کتاب آسمانی را نسبت به آن روا می‌دارند.^{۲۸}

دیدگاه دانشمندان بی‌طرف: دانشمندان عصر ما به دلیل بی‌اعتقادی به ماورای طبیعت، کتاب مقدس را صرفاً نوشته‌ای قدیمی می‌دانند که به دست انسان‌هایی پدید آمده است. (ص ۱۳۶)

دیدگاه مسلمانان: مسلمانان از دیرباز معتقد بوده‌اند تورات و انجیلی که خدا نازل کرده است، دستخوش تحریف قرار گرفته و مسائلی مانند بشارت به ظهور حضرت ختمی مرتبت (ص) از آنها حذف، و خرافاتی چون جسمانیت خدای متعال به آن افزوده شده است. (ص ۱۳۶)

به همین مناسبت، نویسنده مسأله تحریف عهدین را از نظرگاه قرآن برمی‌رسد. پس از آن پاره‌ای از مهم‌ترین اعتقادات مسیحی را برمی‌شمارد. تثلیث، فدا، هفت آیین مقدس، تعمید، تأیید، ازدواج مسیحی، اعتراف، تدهین، عشای ربانی از دیگر اعتقادات مسیحی است که در کتاب حاضر، کانون بحث و بررسی است. (ص ۱۵۶)

آن‌گاه نویسنده علل انتشار مسیحیت را می‌کاود و دو علت را به اختصار یادآور می‌شود: «دو عامل در رشد و گسترش دین [مسیحیت] مؤثر افتاده است: یکی تحمل فشار و آزار و دیگری تبلیغ.» (ص ۱۵۷)

مباحث بعد کتاب بدین قرارند: بروز اختلافات کلامی؛ مسیحیت در روم؛ جدایی در کلیسا؛ امپراتوری مقدس؛ رهبانیت؛

